

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**بررسی انتقادی دلیل «رفعت
مقام» ابن تیمیه درباره عصمت
پیامبران**

ارائه کننده: حجت الاسلام صفدر رجبزاده
ناقد: حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر نوایی

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
ارائه نویسنده.....	۶
مقدمه.....	۷
درباره ابن تیمیه	۷
دیدگاه ابن تیمیه در مورد عصمت انبیاء.....	۹
ارزیابی دیدگاه و نقد آن	۱۱
نقد استاد نوایی.....	۱۳
مقدمه.....	۱۴
نظر علمای اهل سنت نسبت به ابن تیمیه.....	۱۵
پیشنهادات.....	۱۶
جمع بندی.....	۲۱
ضرورت بحث.....	۲۳
دفاع نویسنده اثر.....	۲۵
ابهام زدایی از اشکالات	۲۶
نکات پایانی استاد و جمع بندی دبیر	۳۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. تشکر می‌کنیم از برادر عزیزمان که آیاتی چند از قرآن را تلاوت فرمودند. به لطف و عنایت حق، شاهد برگزاری ششمین کرسی علمی ترویجی هستیم که به همت پژوهش سطح ۴ مدرسه عالی نواب و همکاری مدیریت پژوهش و توسعه حوزه علمی خراسان در حال برگزاری است و ان شاء الله این کرسی علمی ترویجی را شروع خواهیم کرد. عنوان کرسی را همان طور که فرمودند، بررسی انتقادی دلیل رفعت مقام ابن تیمیه درباره عصمت پیامبران است که این مقاله در فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی شماره ۱۱۲ به چاپ رسیده است و محضر جناب طلبه محترم، پژوهشگری که در عرصه کلام مقارن مشغول فعالیت هستند، جناب حاج آقای رجبزاده خواهیم بود. به مدت ۱۵ یا ۲۰ دقیقه که کلیت مقاله خودشان را بیان کنند. قبل از اینکه حضرت عالی شروع کنید، عید ولادت منجی عالم بشریت، حضرت حجت بن الحسن را محضر استاد عزیزمان جناب استاد نوایی عزیز و استاد جعفر مرادی، اگر به صورت مجازی ما را دنبال می‌کنند، همچنین حضار محترم و عزیزانی که به صورت مجازی در جلسه حضور دارند، تبریک عرض کنیم. اگر صلاح می‌دانید، با ذکر صلواتی به استقبال تبیین مسئله و مقاله علمی پژوهشی جناب آقای رجبزاده برویم.



ارائه نویسنده

مقدمه

رجب‌زاده: اعوذبالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على محمد و آله الطيبين الطاهرين. ابتدا حقیر هم به نوبه خودم، ولادت باسعادت منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) را تبریک عرض می‌کنم. ان شاء الله که همه‌مان جزو باوران و پیروان واقعی حضرت باشیم، یک صلوات دیگری را مجدد بفرستید.

خیلی خرسند هستم که خداوند متعال توفیق داد با برگزاری کرسی به‌عنوان مقاله‌ای که مطرح شد، خدمت عزیزان باشیم. کسب اجازه‌ای دارم از حضرت استاد نوایی که استاد خودم بودند و خدا را شاکر هستم که توفیق داد که در طول سالیانی که در مدرسه نواب مشغول به تحصیل بودیم، بهره‌هایی از حضرت استاد بردیم و قطعاً هم در این مقاله از نکات حضرت عالی استفاده خواهیم کرد؛ هرچند که این مقاله چاپ شده؛ ولی ان شاء الله برای تحقیق‌های بعدی راهگشا خواهد بود. ان شاء الله و مطمئناً.

درباره ابن تیمیه

من سریع موضوع را مطرح کنم و خلاصه‌ای از موضوع را [ارائه بدهم]. عنوان چیست؟ دلیل رفعت مقام ابن تیمیه در مورد عصمت پیامبران. اول من یک بیوگرافی از خود ابن تیمیه بگویم. ابن تیمیه متولد سال ۶۶۱ است و متوفی سال ۷۲۸ است. ایشان در طول عمر خودش یک سری نظریاتی را مطرح کرد که موجب اختلاف بین مسلمین، موجب تشویش اذهان شد و باعث شد که یک عده‌ای خود علمای اهل سنت، تکفیرش کنند؛ حتی برادرش. یک نصیحت‌نامه، ایشان را تکفیر کند و نظریات ایشان را نقد کند.

ایشان کثیرالتألیف بوده است؛ به طوری که مصنفات ایشان را ۳۰۰ کتاب می‌دانند. ایشان یک کتاب معروفی دارد به نام منهاج السنه فی نقض کلامه الشیعه القدریه در رد کتاب علامه حلی، منهاج الکرامه فی معرفه الامام و الامامه. کتابخانه مدرسه هم دارد، تقریباً می‌شود گفت صد جلد هم بیشتر نیست. ایشان، ابن تیمیه، این کتاب را در چندین جلد نقد کرده است و مجلداتش به چاپ‌های مختلف، مختلف است.

جالب این است که فی نقض الکلام الشیعه القدریه، با مطالعات خودم رسیدم، اگر اشتباه بود، حضرت استاد ان‌شاءالله تصحیح خواهند کرد. دو تا روایت هست، نکاتی را می‌گویم و بعضی از نکاتم شاید عنوان مقاله‌ای باشد یا جرقه‌ای نسبت به یک موضوعی برای شما باشد. دو تا حدیث هست که مذاهب کلامی از این احادیث یا برای اثبات حقانیت خودشان یا رد مخالفین خودشان استفاده کردند. حدیث معروف از پیامبر «القدریه مجوس هذه الامه»^۱ کار شده است؛ اما این طور که من می‌گویم، کار نشده است. یعنی نقد و بررسی این دیدگاه از دیدگاه سلفیه که مصداق این حدیث و قدریه را ما می‌دانند که به ما روافضه می‌گویند؛ لذا در فی نقض کلامه الشیعه القدریه از نظر او مصداق مجوس هذه الامه ما هستیم. یک حدیث دیگر هم هست که پیامبر فرمودند «ستفترق امتی بعد از من به چند گروه تقسیم می‌شوند؟ ۷۲ یا ۷۳ یا ۷۲». «واحده فی الجنه»^۲ یک گروهش اهل بهشت است و ۷۱ گروه دیگر جهنمی هستند.

۱. التوحید، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲. شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، ج ۲، ص ۱۲۴.

بعد آمدند تمام مذاهب، منظور از تمام مذاهب مؤلفین و اندیشمندان مذاهب آمدند اثبات کردند که فرقه ناجیه ما هستیم و فرقه‌هایی که هالک هستند و گمراه هستند، مخالفین ما هستند. کتاب نوشته الفرق بین الفرق و الفرقه الناجیه. عنوان کتابش برگرفته از این حدیث است.

جالب بود که در تحقیقات و مطالعات رسیدیم که این حدیث از آن طرف، هم اثبات و هم نفی، مذاهب به این دو حدیث اسناد کردند.

ایشان یک سری نظریات داد که باعث شد اندیشمندان اهل سنت نقد کنند؛ به گونه‌ای که ابن حجر هیثمی کتاب السوابق المحرقه که باز هم رد شیعه است، در آنجا می‌گوید ابن تیمیه «عبد خضعه الله و اذله و اعماه و اصمه و اضله» ابن تیمیه کسی بود که خدا او را ذلیل کند، کور کند، گمراه بود، خدا گمراهش کند.

دیدگاه ابن تیمیه در مورد عصمت انبیاء

دیدگاهش نسبت به عصمت انبیاء چیست؟ ایشان فرافکنی نسبت به باورهای امامیه زیاد دارد. دروغ‌پردازی‌اش زیاد است. نسبت به عصمت پیامبران دیدگاهش این است که می‌فرماید که پیامبران از گناه معصوم نیستند؛ به خاطر ظاهر آیات و روایات. بعد ایشان آیات توبه، آیاتی که خداوند مؤمنین را به توبه تشویق می‌کند، آنها را کنار می‌گذارد و می‌گوید انبیاء که از گناه معصوم نیستند، توبه را دوست دارند. توبه می‌کنند و با توبه نمودن مقامشان از قبل بالاتر می‌رود. جایگاه بهتری در نزد خدا پیدا می‌کنند.

من استدلال‌های آن را از لابه‌لای کتاب‌هایش، مهم‌ترین سه تا کتاب است که عصمت پیامبران را بحث کرده است، مجموع الفتاوا، منهاج السنه، کتاب النبوت، در آنجا از لابه‌لای حرف‌هایش به این قیاس رسیدیم که ۱. پیامبران گنه کارند، ۲. هر گنهکاری باید توبه نماید. ۳. نتیجه: پیامبران توبه می‌نمایند.

قیاس دوم: پیامبران توبه می‌نمایند. هر توبه‌کننده‌ای با هر گنهکاری که توبه کرد، با توبه رفعت مقام می‌یابد. پس پیامبران رفعت مقام می‌یابند. هیچ اشکالی هم ندارد. من عبارتش را بخوانم. یک نقد هم اشاره کنم و تمام. ایشان می‌فرماید «و قول القائل» قائل یعنی علامه حلی. علامه حلی که می‌فرماید اگر پیامبر معصوم نباشد، سلب اعتماد می‌شود، پیامبر الگو است، اگر معصوم نباشد نقض غرض پیش می‌آید، ایشان می‌گویند همه این حرف‌ها در زمانی است که پیامبر توبه نکند. اما پیامبر توبه می‌کند و «ترتفع درجته بذلک» رفعت مقام را از کجا پیدا کردی؟ از کجا اخذ کردی؟ از عبارات خودش. و رفعت مقام می‌یابد، درجه‌اش بالاتر می‌رود بذلک «و یکون بعد التوبه التي يحبه الله منه خيرا مما كان قبلها» خیلی جالب است. ایشان می‌گویند پیامبر با این توبه مقامش از قبل بالاتر رفته است. هیچ اشکالی هم ندارد. حرف تو را هم قبول دارم. نقض غرض، سلب اعتماد، زمانی است که توبه نکند. عباراتش را آوردم. چون فقط می‌خواستیم آن رفعت را اشاره کنم...

یک جای دیگر می‌گویند، عبارت جالبی بود که این عبارت انسان‌ها جایز الخطا هستند که ما می‌گوییم صحیحش این است که ممکن الخطا هستند، ظاهراً شاید مبدعش ایشان بود. ایشان می‌گویند «کل بنی آدم خطاء» تمام انسان‌ها ممکن الخطا هستند «و خیر الخطائین التوابون» بهترین خطاکاران،

توبه‌کاران هستند. بعد می‌فرماید «و ما ذکره من عدم الوثوق...» اینها هیچ اشکالی ندارد، زمانی که توبه نکنند. فعلم ان التوبه و الاستغفار لا توجب تنفیراً» موجب نفرت نیست. نفرت‌انگیز نیست. هیچ مشکلی هم ندارد. یک جای دیگر هم می‌گوید «یرفع عبده بالتوبه» با توبه عبد خدا مقامش از قبل بالاتر می‌رود. ایشان دو دلیل می‌آورد که چرا از قبل بالاتر می‌رود. می‌گوید به خاطر اینکه آیات و روایات به توبه و استغفار اشاره کرده است و با این دو دلیل، مقامشان بالاتر برود.

ارزیابی دیدگاه و نقد آن

ارزیابی که بخواهیم بکنیم، مخلص کلام، ایشان می‌فرماید ما اجماع داریم که انبیاء، دقت کنید، انبیاء از اصرار بر گناه و از پافشاری بر گناه معصوم هستند نه از خود گناه. اجماع را هم نسبت می‌دهد. می‌گوید «الاجماع... ان یقرنه» اینها از عصمت معصوم هستند از اقرار بر گناه یا یک جا می‌گوید «ان یقر علی الخطأ» از اقرار بر خطا و اشتباه و گناه معصوم هستند؛ نه از خود گناه و خود گناه اشکالی ندارد. معصیت بر اساس آیات و روایات صادر می‌شود و پیامبر بلافاصله توبه می‌کند. هیچ گناهی را بدون توبه باقی نمی‌گذارند. «لا یؤخرون التوبه بل یسارعون الیها» تصریح دارد.

نقد. یک نقد اشاره کنم و تمام. خلاف حکمت الهی است. حکمت الهی این است که پیامبران الگو باشند برای مردم و هدایت مردم، از مردم دستگیری کنند. قرار نیست که پیامبران ارتکاب کنند و با ارتکاب گناه، مردم را دستگیری کنند. هدف بعثت پیامبران این است که مردم گناه نکنند؛ الان خود پیامبر گناه کند و به واسطه ترک گناه، رفعت مقام پیدا کند؟ نه. هدف این است که پیامبر خودش گناه نکند و مردم را هم به عدم صدور گناه دعوت کند.

روشن است که فرق است میان کسی که به واسطه ترک گناه رفعت پیدا می‌کند یا کسی که گناه نمی‌کند. با استدلال آقای تیمیه، هر کسی که نزد خدا بیشتر گناه کند، محبوب‌تر است. درست است؟ استدلالی که ایشان مطرح می‌کند.

هر کسی که بیشتر گناه کند و بیشتر توبه کند، بین گناه و بین توبه فاصله نیندازد، نزد خدا محبوب‌تر است؛ درحالی‌که چنین چیزی صحیح نیست. اشکالات دیگری هم وارد است که برای اینکه اطالۀ کلام نشود، چشم‌پوشی می‌کنم. در مقاله مطرح شده است. عذرخواهم استاد. ببخشید. تعجیل در فرج امام‌زمان صلوات.

دبیرجلسه: متشکر از جناب حاج‌آقای رجب‌زاده که در حد مختصر تبیین مسئله کردند و نکاتی را ذکر کردند. همان‌طور که مشاهده فرمودید، ایشان دلیل ابن تیمیه را که در رد علامۀ حلی در بحث نظریۀ شیعه که عصمت مطلق هست را بیان کردند و ادله چهارگانه که در مقاله‌شان هست، یکی‌اش را ذکر کردند. حالا در خدمت جناب استاد عزیز، جناب دکتر نوایی خواهیم بود و نکاتی که را مطرح می‌کنند، بهره‌مند خواهیم شد با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد.



نقد استاد نوایی

مقدمه

استاد نوایی: اعوذبالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله و الصلاه و السلام على رسول الله و على آله آل الله و اللعنه على اعدائهم و مخالفينهم و معاندينهم من الان الى يوم لقاء الله. ايام ارزنده ماه شعبان را که ایام گرانقدری هست، خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم، به‌ویژه میلاد موعود همه ادیان، حضرت صاحب الامر، ولی عصر امام زمان را خدمت سربازان آن حضرت و دوستان و موالیان آن حضرت، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

یک جمله را عرض کنم، کمیته علمی کرسی‌های آزاداندیشی و نقد و نظر و نظریه‌پردازی بحمدالله یک مدخل خوبی و یک عامل خوبی برای تبیین دیدگاه‌ها، نظرات و مسائلی است که طلاب فاضل و محقق حوزه در آنجا حضور پیدا بکنند. دیدگاه‌هایشان در عرصه‌های کرسی‌های ترویجی، کرسی‌های نقد و نظر، کرسی‌های آزاداندیشی و در نهایت در حد اعلایش، کرسی‌ها نظریه‌پردازی، همه شما دوستان و کسانی که از طریق مجازی صحبت را دارند می‌شنوند، بحث‌های بنیادی و مبنایی را آماده بکنند که به‌صورت کرسی ترویجی بخواهد برگزار بشود، چه در حوزه نقد و نظر، چه در حوزه آزاداندیشی و چه در حوزه نظریه‌پردازی ان‌شاءالله اینها را به کمیته علمی بدهند. کمیته هم ارزیابی می‌کند. همین امروز بحمدالله هشت تا مقاله، با اینکه امروز تعطیل است، هشت تا مقاله امروز رسید. این ششمین جلسه است که الان دارد برگزار می‌شود. ۶ یا ۷ تا جلسه دیگر هم در مسیر است که برگزار بشود. امروز هم ۸ تا مقاله رسید. فرستادند برای من و من هم یکی یا دوتایش را مطالعه کردم. کار ارزنده‌ای است.

در خصوص این جلسه، دلیل رفعت مقام انبیاء از منظر ابن تیمیه، آقای رجب‌زاده را می‌شناسیم، طلبه فاضل، طلبه کوشا و مجد و عالمی هستند الحمدلله که درجات علمی را به فضل الهی خوب طی کردند. این مقاله توسط ایشان ارزیابی شده است و دیدگاه ابن تیمیه مورد نقد قرار گرفته است. کار خوبی انجام شده است. یعنی تا اینجا که مقاله ارائه شده است، کار بایسته‌ای است و فاقد اشکال در خود این مقاله [است]؛ اما من یک نکاتی را خدمت آقای رجب‌زاده عرض می‌کنم و باتوجه‌به شناخت و ارادتی که به ایشان داریم، ان‌شاءالله اینها را برای اینکه به یک کتاب تبدیل بشود اعمال خواهند کرد. درست است الان یک مقاله هست؛ اما جای این را دارد، جناب آقای خفاجه، که این تدریجاً تکمیل بشود و به حدی برسد که ضرورت هم دارد که دیدگاه‌های ابن تیمیه که به‌غلط او را به‌عنوان شیخ‌الاسلام، سلفی‌ها نام می‌برند و همین اواخر هم بن باز در احیای ابن تیمیه خیلی تلاش کرد و طرف‌دارانشان تلاش کردند.

نظر علمای اهل سنت نسبت به ابن تیمیه

ابن تیمیه در بین علمای منصف اهل سنت، محکوم به کفر است و به او کافر زندق می‌گویند. عبارات هست. عبارات زیاد است. حتی به حدی، بسیاری هستند که آقای رجب‌زاده هم اینها را عنایت دارند. بسیاری از علمای اهل سنت اشاره کردند که «من اعتقد بما اعتقد ابن تیمیه فهو کافر و حل دمه» کسی که به آنچه که ابن تیمیه معتقد شده، معتقد شود، کافر است و ریختن خونش هم حلال است. یعنی این‌طور آدم بدنامی در بین بزرگان اهل سنت است؛ ولی سلفی‌ها باتوجه‌به دیدگاه تشدید و تجسیم و دیدگاه‌های این‌طوری، قائل هستند که خدا دست دارد، پا دارد، خمیازه می‌کشد، خدا خنده می‌کند، می‌خوابد، و امثال اینها، صریح مخالف آیات کریمه قرآن مجید حرف زدند.

اینجا هم صریح آیات قرآن حرف زده است که جناب آقای رجبزاده یک بخشی را آوردند؛ اما من انتظارم این است که آقای رجبزاده یک حد بالاتری کار را پیش ببرند. این که ما صرفاً بگوییم که ابن تیمیه چنین چیزی گفته است، این با اجماع مخالف است، با آیات مخالف است، با عقل مخالف است، این کفایت نمی کند. بهتر است که از منظر دیگری هم تکمیل بشود. کار تا اینجا که انجام دادند، ارزشمند است؛ اما یک جنبه‌هایی را به صورت فهرست گونه عرض می کنم که آقای رجبزاده اگر صلاح دانستند، در مطالعات بعدی شان... چون به نظرم دیدگاه‌های ابن تیمیه، بطلانش ظاهر بشود و کشف بشود، تبیین بشود، توضیح داده شود و تحلیل شود. جنبه‌های بطلان، کاملاً روشن بشود و این کتاب منتشر در سطح بالایی منتشر بشود. این چنین کتاب‌هایی نیاز داریم که از طریق کمیته علمی بشود این کتاب‌ها را در حوزه انتشار داد.

پیشنهادات

چند تا اشکال، اشکال که نمی شود. چند تا پیشنهاد، من اشکالی بر مقاله ایشان ندارم. اگر بخواهیم اسمش را اشکال بگذاریم، باید بگوییم تکمیل نیست. تا اینجا خوب جلو آمدند؛ اما جنبه‌هایی را اشاره می کنم که اینها را جناب آقای رجبزاده انجام بدهند.

۱. ماهیت تحلیلی

یکی اینکه به نظر من مقاله فاقد ماهیت تحلیلی است. سخن ابن تیمیه باید تحلیل بشود. اینکه گفته است پیامبران به وسیله گناه و توبه رفعت مقام پیدا می کنند، این باید تحلیل بشود. وقتی این را تحلیل کنیم، بطلانش در درون تحلیل ظاهر می شود. پیامبر چرا باید گناه بکند؟ آیا اول که پیامبر آمد، باید مورد اطمینان می بود یا نمی بود؟

اگر اولی که آمد، باید مورد اطمینان باشد، نباید سابقه گناه داشته باشد. پیشینه گناه نباید می‌داشت. حالا این اول که نیاز به این دارد که پیشینه گناه نداشته باشد، در تداومش بیشتر نیاز دارد؛ چون مردم اقبال کردند و به او توجه کردند

۲. تطبیق

دوم اینکه فاقد تطبیق و مطابقه است. باید سخن او با سخن بزرگان دیگر اهل سنت، علمای اهل سنت تطبیق بشود که در این زمینه، کسی قائل به این نیست که پیامبران باید گناه نکنند. پیامبران اگر گناه بکنند، یعنی پیامبران را به گناه کردن تشویق کنند که اگر گناه کنند، رفعت مقام پیدا می‌کنند و از آیات کریمه قرآن به صورت غلطی استدلال کنند که «ان الله يحب التوابین و يحب المتطهرین»^۱ گناه دلیل محبوبیت نیست. اینها باید با سخنان دیگر علمای اهل سنت تطبیق و مطابقه شود.

۳. بیان کردن نقض‌های دیدگاه

نقص سخن ابن تیمیه باید روشن شود. اصلاً سخن باطلی است. ابن تیمیه سخن غلط و اشتباهی گفته است؛ زیرا اولاً، همان طور که آوردند، این اجماع باید یک مقدار برجسته‌تر بشود، بعد هم با آیات کریمه قرآن خیلی تنافی دارد. ببینید در قرآن مجید، سوره ص آیه ۴۶ می‌فرماید «انما اخلصناهم بخالصة ذکر الدار» یا در همین سوره «لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین»^۲ یا در سوره بقره آیه ۱۲۴ «لا ینال عهدی الظالمین».

۱. بقره، ۱۲۲.

۲. ص، ۸۲.

بعد ظلم در اینجا معنا می‌شود که شامل گناه و... می‌شود. «و انما لمن المصطفین الاخیار» مصطفی هستند. خدا مصطفی را از آدم‌های گناه کار بر نمی‌گزیند.

شما در بین افراد بشر، انتخابات است، ما که آدم رزلی را انتخاب کنیم. بنابراین، پیامبران که می‌خواهند انتخاب کنند، بهترین‌ها و الگوها را انتخاب می‌کنند. یا مثلاً می‌فرماید که «واذکر اسماعیل و الیسع و ذاکفل کل من الاخیار»^۱ اخیار که حتی ابوبکر روایت در این زمینه آمده است. اخیار چه کسانی هستند؟ ابوبکر می‌گوید اخیار کسانی هستند که پیشینه گناه ندارند. این دقیقاً روایت ابوبکر است. اخیار چه کسانی هستند؟ اخیار کسی است که پیشینه گناه ندارد؛ لذا باید سخن ابن تیمیه، نقض‌های سخن بیان شود.

سلب اعتماد مردم و بازگشت به گناه. آیا مردم وقتی ببینند پیامبر گناه کرده است، به گناه رو نمی‌آورند؟ اعتماد مردم سلب نمی‌شود؟ چنان‌که رسالت احتیاج دارد به اینکه یک انسان پاک شایسته خیر و خیری، مصطفایی، برگزیده‌ای، محبتی‌باشد که مردم به برجستگی او به سخنش اعتماد کنند؛ پس بنابراین سلب اعتماد مردم می‌شود.

توبه نصح را مطرح کرده است. توبه نصح در حق کامل اولیای الهی اصلاً نیست. توبه نصح مال کامل اولیاء نیست. توبه نصح مال متوسطین است. اصلاً عرفاً و علمای اخلاق بیان کردند که توبه نصح از متوسطین است. متوسطین یعنی کسانی که حد وسط ایمان را دارند، گاهی به لوازم ایمان عمل می‌کنند، گاهی هم از ایمان خارج می‌شوند و خطایی مرتکب می‌شوند.

توبهٔ نصح مال این‌هاست. مال کامل اولیای الهی نیست. روایاتی از خود پیغمبر اکرم وجود دارد که توبهٔ نصح مربوط به کامل اولیای الهی می‌شود.

۴. توجه‌دادن به تهمت‌های ابن تیمیه

یک چیز دیگر که در مقاله به نظر من باید عنایت بشود، اینها تهمت‌هایی است که به پیامبران زده‌اند. ابن تیمیه در منهاج السنه به پیامبران تهمت‌زده است، به حضرت داوود تهمت‌زده است، به حضرت موسی تهمت‌زده است، به حضرت سلیمان تهمت‌زده است، این تهمت‌ها را منتشر کردند؛ لذا باید از انبیاء دفاع صورت بگیرد و این قضیه هم موردتوجه قرار بگیرد.

۵. نقض‌های دیگری در کلام ابن تیمیه

یک حرف دیگری که باز هم آقای رجب‌زاده اشاره فرمودند؛ ولی توضیح کامل در این زمینه ندادند که گفتند فرزندان یعقوب همه‌شان بعد از گناه پیامبر شدند. اصلاً این‌طور نیست که فرزندان یعقوب همه‌شان پیامبر شده باشند. ببینید، ماجرا، ماجرای اسباط است. می‌فرماید ما به داوود و نوح و عیسی و پیامبران و اسباط وحی کردیم. اسباط، من دقیقاً همین روزها هم بحث اسباط را یک جایی مطرح کردم. جایگاه ادیان از من دعوت کرده بودند که بروم راجع به این قضیه، یک مقداری بحث کنم. راجع به دیدگاه یهود... اتفاقاً خیلی با این بحث جور است. دیدگاه پیامبران در یهود، رفتیم برایشان بحث کردم. یک جمع خوبی هم بودند. اسباط را دقیق که بررسی کردم، دو نفر از اسباط، دو تا فرزند یوسف هستند. افرعین و منسی دو فرزند یعقوب هستند که با بعض اسباط درگیر شدند. قرآن مطلقاً نیورده است که همهٔ اسباط. مثلاً یهودا هم از اسباط است. هرگز به یهودا وحی نشده است. هرگز به شمعون وحی نشده است.

وحیی که شده است به حضرت یوسف شده است، به بنیامین هم که وحی شده است، به بعض دیگر از فرزندان هم وحی شده است؛ اما از مسلمات و بدیهیات تاریخ آیین یهود است که به یهودا و شمعون اصلاً وحی نشده است. اینها قابلیت وحی نداشتند. لذا نقض سخنش می شود که اسباط، همه شان پیامبر شدند، این حرف هم حرف بیراهی است.

ایشان گفته است که، این قسمت هم به نظرم باید برجسته می شده که برجسته نشده است، گفته است که نبوت انبیاء با گناه تنافی ندارد. در صفحه ۶۶ این نوشته در مجله ای که منتشر شده است. گفته است که گناه کردن پیامبران با نبوتشان تنافی ندارد. این هم یک چیزی است که آیات قرآن، سریع این را نقض می کند یا در کلماتش در منهاج السنه آمده است که گناه، خودش معبر برای وحی است. هر پیامبر که گناه می کرد و بعد توبه می کرد، وحی جدیدی برایش می آمد. اینها جزو بافتنی های خود ابن تیمیه است. جزو نبوعات است. جزو منشئات ابن تیمیه است که برخی در تاریخ منشئات و نبوعاتی دارند، اینها جزو منشئات ابن تیمیه است.

بعد هم که بحث استغفار را که مطرح کرده است، این هم به نظرم آقای رجب زاده یک عنایتی روی این داشته باشند که استغفار پیامبران دلیل بر انجام گناه است که این را صریح در معراج السنه مفصل توضیح داده است که پیامبران که استغفار می کردند، این دلیل بر انجام گناه بوده است و بالاخره دلیل بر انجام گناه نمی تواند باشد. استغفار پیامبران، استغفار همواره علو درجه را دارد، بدون گناه. استغفار یعنی بازگشت به خدای متعال و بنابراین استغفار برای چه کسی هست؟ استغفار برای جدایی از غفلت احتمالی است که آیت الله جوادی آملی این را بیان می کند و می گوید استغفار پیامبران برای جدایی از این مسئله است.

یک نکته جالبی ایشان دارد، آن را مراجعه کنید، خیلی خوب است. می‌فرمایند برای جدایی از غفلت احتمالی است. غفلت احتمالی... یک وقت غفلتی حاصل نشود. یا پیغمبر اکرم دارد که «انی لیغان علی قلبی و انی لاستغفر الله کل یوم سبعین مره»^۱ گاهی به دلم یک چیزهایی می‌افتد، هفتاد مرتبه استغفار می‌کنم یا مثلاً در آیه کریمه قرآن دارد که خدا وقتی که بر پیغمبر وحی می‌کند، شیطان مداخله می‌کند و می‌خواهد به پیامبران القاء کند. «فینسخ الله ما یلقى الشیطان»^۲ آخدا آنچه را که شیطان القاء می‌کند، نسخ می‌کند و از بین می‌برد. نمی‌گذارد در پیامبران اثر داشته باشند. از این آیات می‌شود در اینجا در رد عقیده باطل ابن تیمیه هم استفاده کرد.

جمع بندی

نکات دیگری هم هست. دیگر اینها را متعرض نشوم. اجمالاً کارتان، کار ارزشمندی است. ضرورت عصمت پیامبران درست تحلیل بشود، دیدگاه علامه حلی اینجا برجسته بشود. قوشجی اینجا آمده در تحلیل‌هایی که کرده است یا در کشف المراد یا تجرید الاعتقاد، شرح قوشجی، خیلی خوب توضیح داده است که پیامبران باید معصوم باشند و به ادله زیادی استدلال کرده است. این قسمت هم آورده بشود، فکر می‌کنم کار شما کار ارزشمندی است. تحقیقات را تکمیل کنید که به یک کتاب تبدیل بشوید. ان شاء الله موفق و سالم و مؤید باشید. خواستید یک عکسی بگیرید، چون همه را مطرح نکردم. داخل این صفحات هم نکات زیادی نوشتم؛ ولی خب درعین حال دو یا سه صفحه‌اش را می‌دهم عکس بگیرید. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۸۵.

دیرجلسه: تشکر می‌کنیم از نکات مفید و عمیقی که جناب استاد نوایی عزیز در مورد مقاله مطرح کردند. اگر عزیزانی جدیداً به جمع در فضای مجازی پیوسته باشند، استاد نوایی اجمالاً اشکالاتی را که فرمودند پیشنهادها و تکمله‌هایی را بر این مقاله‌ای که جناب حاج‌آقای رجب‌زاده نوشتند، بیان کردند که تقریباً تا جایی که من یادداشت کردم، ۹ مورد بود که لازم هست جناب آقای رجب‌زاده اینها را مدنظر قرار بدهند. حالا اگر که نسبت به بعضی از موارد، اینها چون بعضی‌هایش پیشنهاد و تکمله بود، اگر نکته‌ای مدنظرتان هست و به قول معروف در مقاله اعمال شده، کمرنگ یا پررنگ، می‌توانید نکاتی که مدنظرتان هست نسبت به این ۹ موردی که استاد فرمودند، نکاتی را مطرح کنید.

استاد نوایی: توضیح کافی در بعضی قسمت‌ها داده نشده است. یک اشاره کلی کردند. مثلاً مخالفت با آیات، باید ده تا آیه آورده شود. مخالفت با روایات باید ۵ یا ۶ روایت آورده بشود. من گفتم شاکله خوب است؛ اما کامل نیست. اما مثلاً علمایی که به مخالفت پرداختند، سه یا چهار مورد را بیاوریم و اکتفا کنیم، یک مقدار نیاز به بسط موضوع دارد، همین آیاتی که من قرائت کردم، اینها در قسمت مخالفت صریح با آیات قرآن، ضرورت دارد [ذکر شود]. اما شاکله خوب است. یعنی اگر بنده هم می‌خواستم چیزی بنویسم، به همین وزان جلو می‌رفتم و تکمیل می‌کردم.

ضرورت بحث

دبیرجلسه: متشکرم. حاج آقای رجبزاده، اگر نکته‌ای مد نظرتان هست... جناب استاد مرادی نکاتی را مستقیماً نگفتند؛ اما چند تا نکته را می‌شود یک جا داشته باشید، بفرمایید. دو سه تا مورد را مدنظر هست و اگر اینها را در ضمن توضیحاتتان لحاظ کنید، خیلی خوب خواهد بود. یک نکته‌ای که جناب استاد نوایی هم اول جلسه مطرح کردند، این اطلاعیه‌ای که در کانال‌ها گذاشته شد، در یکی از این گروه‌ها اعتراضی شد که در موقعیت کنونی علمی الان، چه ضرورتی دارد که به عصمت ابن تیمیه بپردازیم؟ الان مثلاً تمام مسائل علمی ما در ابعاد مختلف حل شده است؟ بحث ضرورتش مدنظر اشکال کننده بود که اگر تذکری داده بشود، بد نیست. هر چند جناب استاد نوایی فرمودند که این موضوعات هم لازم و ضروری است، منتها از زبان خود نویسنده این ضرورت یک مقدار پررنگ‌تر بشود، قاعدتاً مفیدتر و رساتر است. این یک نکته [است].

نکته دیگری که اگر مقاله را عزیزان دیده باشند، در بحث مفهوم‌شناسی لازم بوده است که توبه، عصمت، برخی از مفاهیم اساسی بررسی بشود که ظاهراً همان طور که استاد هم مستحضر هستند و ملاحظه فرمودند، اصلاً اشاره نشده است و این از اولیات لازم هست. لازم هست که اینها را مدنظر قرار بدهید، خوب است.

یک نکته کلیدی‌تر اینکه، این سؤال را من این طور نوشتم که آیا دلیل ابن تیمیه مبنی بر عدم عصمت که همان رفعت مقام که شما فرمودید هست، این را بفرمایید که این مختص به قبل بعثت است یا اعم است؟ آیا تصریحی از ابن تیمیه دارید که این را اثبات کند یا نه؟ اگر این را اشاره بکنید خوب است.

حالا من عذرخواهی می‌کنم، لازم نیست که دبیر علمی نکاتی را این‌طور بگویند؛ اما چون محضر جناب استاد هستیم و قرار است این کار دقیق‌تر و علمی‌تر بشود، این نکات را اگر اشاره بکنید، ممنون خواهیم شد.

استاد نوایی: راجع به آن نکته اول که چه ضرورتی دارد، به نظر من دیدگاه‌های سلفی‌ها الان گویای یک پشتوانه مالی هم پیدا کرده است. همیشه داشته است و الان هم بیشتر که اینها مطرح بشود و به جنگ با عقاید شیعه برود؛ لذا علی‌رغم اینکه ما خیلی مسائل فراموش شده و مطرح نشده و بررسی نشده داریم، درعین حال پرداختن به این موضوعات هم امروز از ضرورت لازم برخوردار است. دوستان این‌طور گمان نکنند که با وجود مسئله‌های فراوانی مثل بانکداری، حکومت اسلامی، مقوله قدرت و بحث‌های خیلی فراوانی که پیش روی ما وجود دارد از حقوق و اقتصاد و سیاست و پزشکی و... درعین حال دفاع از جایگاه شیعه و هجمه‌هایی که به شیعه می‌شود، ضرورتی دارد و ضرورتش همیشگی است. به نظر من این ضرورت دارد و در جای خود اولویت هم دارد.



دفاع نویسنده اثر



رجب‌زاده: دست شما درد نکند. از فرمایشات استاد نوایی و استاد خفاجه استفاده کردیم. واقعاً استفاده کردم. تک‌تک موارد را نوشتم. ان‌شاء‌الله اگر به قول شما خداوند وقت بدهد و زنده باشیم، ان‌شاء‌الله بشود در قالب کتاب مطرح بشود، حتماً نکات استاد ملاحظه خواهد شد.

ابهام‌زدایی از اشکالات

اما در قالب یک ابهام‌زدایی از اشکالاتی که حضرت استاد فرمودند، در قالب پاسخ نیست. در قالب اینکه ابهام شاید برطرف بشود، من چندتایش را اشاره کنم.

ضرورت بحث

نسبت به اینکه امروزه، حضرت استاد فرمودند که دیدگاه سلفیه نیاز است بررسی بشود یا نشود؟ یک بنده خدایی هم ظاهراً در گروه ستارگان پیام داده است که موضوع چیست! جامعهٔ امروزی، جوانان، خدا و پیامبر را قبول ندارند! شما چسبیدی به عصمت انبیای ابن تیمیه که سال‌ها پیش مطرح کرده است؟!

ببینید عزیزان. این چیزی است که بدیهی است. امروزه سلفیه به‌عنوان پرچمدار اسلام خودش را معرفی می‌کند و معارف خودش را به‌عنوان معارف ناب اسلامی مطرح می‌کند. پشتوانه هم دارد. پشتوانهٔ مالی دارند، پشتوانهٔ فکری دارند. جالب این است که مخالفین خودشان را هم طرد می‌کنند. سؤال. الان ما می‌گوییم که گروهی که خودش را فرقه ناجیه، این مطلب باز به همان حدیث بر می‌گردد. این گروه می‌گوید الفرقة الناجیه ما هستیم. نحن فرقة الناجیه و مخالفین را فرقه‌های طرد و گمراه معرفی می‌کند.

سؤال: دیدگاهشان نسبت به پیامبر چیست؟ آیا پیامبر را یک انسان عادی جلوه می‌دهند؛ یا می‌گویند پیامبر یک صفات خاصی دارد و به‌عنوان یک فرد ممتاز باید الگوی بشر باشد که بشر را هدایت کند.

در تبلیغ سلفیه و وهابیت همین بس که در بیخ گوش ما در حرم مطهر رضوی، بنده خدایی که شهید اصلانی را چند پیش شهید کرد، تاجیکستانی بود، افکار وهابیت داشت، یا حادثهٔ اهواز، سال ۹۶. با پدر آن بنده خدا مصاحبه کردند. پدر او گفت ای کاش، جمله‌اش هم جملهٔ سنگینی بود، ای کاش من زنده بودم و خودم با دست‌های خودم فرزندم را خفه می‌کردم. بعد پرسیدند که چطور شد که مردم مظلوم را به رگبار بست و کشت. گفت شبکه‌های وهابی را نگاه می‌کرد. شبکهٔ وصال، شبکهٔ کلمه. شبکهٔ وهابی‌ها را نگاه می‌کرد، تفکرات آنها را گرفت. الان یکی از تفکرات وهابیت، همین بحث دیدگاهشان در مورد پیامبر است. آن قدر اینها فتاوا و سخنان سخیف دارند که انسان خجالت می‌کشد بگوید.

من یک نمونه‌اش را مطرح کنم. شما نگاه کنید، پیامبر آنها کجا و پیامبر ما کجا؟ یک کتابی هم نوشته آقای سید مجتبی اسیری به نام پیامبر وهابیت، این را کتابخانه هم دارد. توصیه می‌کنم مطالعه کنید. خوب است. دیدگاه اینها در مورد پیامبر این است. یک حدیثی در صحیح بخاری متأسفانه هست. باز به‌عنوان صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن، دو دو تا چهارتا است. خودشان می‌گویند. بی ادبی می‌شود، عذرخواهم استاد، در کتاب صحیح بخاری آمده است «اتی النبی سباته قوم فبال قائما» پیامبر در یک زباله دان، یک جایی رفت، یک منطقهٔ خراب شده‌ای، فبال قائما، اگر شک دارید، مکتبه الشامله باز است، صحیح بخاری، جلد یک، صفحه ۵۴.

من از صبح، آقای خفاجه و صادق‌پور شاهد هستند، علاوه بر اینکه از صبح درگیر این پاورپوینت هستیم، درگیر مطالعه شروح همین حدیث هستیم. نووی شرح دارد، عسقلانی شرح دارد. یک توجیهات سخیفی گفتند که آدم می‌ماند که گریه کند یا بخندد. توجیه می‌کنند که از نظر طبیی ایستاده بول کردن خوب است. اشکال ندارد. یا خود نووی می‌گوید صار هذا به خاطر همین حدیث «صار هذا عادتاً لاهل هرات یقولون قیاما فی کل سنه مره احیاء لتلک السنه» هر ساله مردم هرات به خاطر اینکه سنت پیامبر را زنده نگه دارند، بیول قائما. دبیرجلسه: جناب آقای رجب‌زاده، اگر لطف کنید در ضرورت توضیح بدهید.

رجب‌زاده: نسبت به عصمت انبیاء هم همین است. دیدگاهشان همین است. پیامبر انسان عادی است. گناه می‌کند، هیچ مشکلی هم ندارد. شأن پیامبر را پایین آوردند و هم تراز شأن خلفا بشود و بعداً اگر شما اشکال کردی که چرا آقای فلانی، بیول قائما، بگوید پیامبر هم این چنین بوده است؛ چرا فلانی گناه کرد، پیامبر هم گناه می‌کرد؛ چرا فلانی فلان گناه را کرد، پیامبر هم گناه می‌کرد، اشکال ندارد و این گناه‌ها موجب اشکال نیست و مقام انسان پایین نمی‌آید و چه بسا مقام انسان بالا برود و ترنفع درجته و یک جایی تصریح دارد «فان من المعلوم» از کجا می‌گویی؟ از خودم نمی‌گویم. «ان الصحابه الذین آمنوا بعد کفرهم و هداهم الله به بعد ضلالهم و تابوا الی الله بعد ذنوبهم افضل من اولادهم الذین ولدوا علی الاسلام» یعنی خلفا و صحابه‌ای که قبلاً مسلمان نبودند، اینها جایگاهشان از ماها بهتر است. ماهایی که مسلمان متولد شدیم. دبیرجلسه: اگر وارد نکات اصلی بشویم، ممنون می‌شوم.

محدودیت‌های آیین‌نامه‌ای مقاله‌نویسی


رجب‌زاده: نکات دیگری که استاد فرمودند، به جا بود. مقاله عزیزان، ۱۹ صفحه بود. به تعداد کلمه، فکر کنم ۹۵۰۰ کلمه بود و استاندارد هم بود. مقاله باید بین ۷۵۰۰ تا ۹۵۰۰ کلمه و بعضی تا ۱۱۰۰۰ کلمه هم می‌روند. ۱۹ صفحه بود. الان اگر شما ملاحظه کنید، ۱۲ صفحه شده است. ۷ صفحه را ارزیابان، صلاح دیدند، بعضی از نکات که فرمودند، آنها صلاح دانستند و گفتند این مطالب اضافه است. اتفاقاً استاد از مطالبی که ما آورده بودیم، همین پروبال دادن به اجماع و آیات بود. من الان ۵ آیه است، آنجا ۸ آیه آورده بود. اجماع را ۱۰ مورد آورده بودم. اکتفا به ۴ مورد کردم. گفتند ۱۰ مورد چه خبر است. کافی است که ما بدانیم که خلاف اجماع است. اجماع این است. قرطبی این را می‌گوید. در مورد روایت هم همین طور [است].

مفهوم‌شناسی

نسبت به مفهوم‌شناسی هم در بحث نقد خود استدلال، اشاره‌ای شده است؛ اما یک تیتری لازم دارد. فرمایش کاملاً متین است. یک تیتری به نام مفهوم‌شناسی لازم دارد که عصمت و توبه بحث شود؛ اما باز هم با این حساب در مقاله آمده است. مثلاً در بحث مخالفت با مراتب توبه آوردم و گفتم توبه به معنای مطلق رجوع است؛ به معنای رجوع از گناه نیست. چون اگر بخواهد به معنای رجوع از گناه باشد، در مورد خدا اصلاً معنا ندارد. خود لغویان گفتند، صاحب قاموس هم همین کلمه را می‌گوید. می‌گوید این کلمه در مورد خدا معنا ندارد. اگر بخواهی به معنای رجوع از گناه، مقید کنی، در مورد خدا معنا نمی‌دهد. در تفسیر آیات به مشکل می‌خوری. پس به معنای مطلق رجوع برگردانی.

توبه مراتب دارد و همان‌طور که حضرت استاد اشاره کردند، توبه انبیاء، به‌خاطر جایگاهشان است. توبه از گناه داریم، توبه از گناه قانونی، توبه از گناه اخلاقی، توبه از گناه محبتی، یعنی جایگاهی که اینها دارند، خودشان را نزد خدا می‌بینند، اگر یک آن و یک لحظه، یک ساعت، نیم ساعت مشغول به خوردن و خوابیدن می‌شود، خودشان را از درگاه الهی دور می‌بینند و لذا استغفار می‌کنند. مثل حضرت علامه جوادی را هم استاد اشاره کردند. یک مثل دیگر هم ایشان دارند که خیلی قشنگ است. استغفار انبیاء از باب دفع است، نه رفع. ماها رفع هستیم. مثل استغفار انبیا مثل آینه‌ای است که شفاف است و پارچه‌ای می‌اندازد که گردوغبار ننشیند. مثل ما، گردوغبار نشسته است، با پارچه این گردوغبار را تمیز می‌کنیم.

خیلی جالب است، مرحوم اربلی، اربیل عراق، یک کتابی به نام کشف الغمه فی معرفه الاثمه دارد. اربلی ایشان می‌گوید من همیشه برایم سؤال بود. دعای امام کاظم (ع) را می‌خواندم که حضرت می‌فرماید «رب عصیتک بلسانی» با خودم گفتم که چه شده است که امام معصوم استغفار می‌کند. می‌گویم رفتم به سید بن طاووس گفتم، ایشان گفت برای تعلیم است. با خودم گفتم اگر برای تعلیم است، امام در خلوت خودش است و در نماز شبش دارد استغفار می‌کند. جنبه تعلیمی نخواهد داشت. بعد می‌گویم خود حضرت کمکم کرد و فهمیدم این از باب این است که خودشان را در درگاه خدا می‌دیدند تا اینکه مشغول شود به خوردن و کارهای اجتماعی مسائل مردم را حل و فصل می‌کردند، خودشان را دور از خدا می‌دیدند. لذا می‌فرماید حسنات الابرار سیئات المقربین، لذا توبه می‌کردند. استغفار هم جنبه دفعی دارد نه رفعی.



**نکات پایانی استاد و
جمع بندی دبیر**

استاد نوایی: یک کار دیگر هم [بگوییم]. عنوان مقاله‌تان را یک تغییری بدهید. شما نوشتید دلیل رفعت مقام ابن تیمیه. این را این طور بیاورید. واضح نیست. دلیل رفعت مقام انبیاء از منظر ابن تیمیه. این را اگر یک تغییر این طوری بدهید، بهتر است تا اینکه دلیل رفعت مقام ابن تیمیه. واژگان کلیدی حتماً بیاورید. یک چکیده‌ای از مقاله‌تان بیاورید. یک مقدمه‌ای بر مقاله‌تان بنویسید. موارد را هم اصلاح کنید. خوب می‌شود. خوب هم هست. کار اول شما هم که در این زمینه عرضه شده است، کار ارزشمندی است. نقص نمی‌شود بگوییم. باید بگوییم تکمیل بشود.

دبیرجلسه: تشکر می‌کنیم. چند تا نکته دقیق حاج آقا فرمودند. بحث فاقد ماهیت تحلیلی بود که اگر اینها را جواب بدهید یا بحث نقض به اسباط را گفتند و استغفار دلیل بر انجام گناه، اینها را اگر اشکال وارد هست، اینها را مدنظر قرار بدهید. ما به جهت اینکه حق عزیزانی که در جلسه حاضر هستند، ضایع نباشد و عزیزانی که به صورت مجازی ما را دنبال می‌کنند، اگر نکته‌ای، سؤال یا نقدی نسبت به مطالب و گفته‌هایی که در این جلسه مطرح شد، نسبت به مقاله مدنظر عزیزان هست، ما در خدمتشان هستیم. در حد دقایقی می‌توانند نکاتشان را ذکر کنند که اینجا هم استاد هستند و هم نویسنده مقاله در خدمت باشیم.

استاد: یکی یکی به ذهنم می‌آید. یک نکته هم به کسانی که هم اینجا حضور دارند و هم در فضای مجازی، این نکته را بگوییم. مقاله را که می‌نویسید، از نظر خودتان ممکن است کامل باشد. ندهید روند چاپ و... طی بشود. قبلش دقت و وسواس داشته باشید. به دو نفر، سه نفر، کمتر و بیشتر بدهید که ببینند و ارزیابی‌هایی را نسبت به مقاله انجام بدهند و بعد از ارزیابی و ارزشیابی اقدام بکنند. این طور نشود.

دبیرجلسه: رفقا اگر کسی، جناب استاد یعقوبی، جناب استاد مرادی، سایر عزیزان نکته‌ای اگر هست، خدمتان هستیم. فقط با میکروفون که عزیزان مجازی هم فیض ببرند. تشکر می‌کنیم از جناب استاد نوایی عزیز که با صبر و حوصله مقاله را مطالعه کردند و نکاتی که مدنظرشان بود را بیان کردند. ان‌شاءالله حاج‌آقای رجب‌زاده هم باتوجه‌به این نکات، کارشان را تکمیل‌تر خواهند کرد. عزیزانی که حضوری تشریف آوردند و در جلسه شرکت کردند، تشکر می‌کنیم. همچنین عزیزانی که به‌صورت مجازی ما را دنبال می‌کنند، از همه عزیزان تشکر و قدردانی داریم. با ذکر صلواتی جلسه را ختم می‌کنیم.

